

نهضت فلسفی امام خمینی (س)

www.ketab.ir

دکتر علی اکبر ضیائی

نهضت فلسفی امام خمینی (س) / تدوین علی اکبر ضیائی. - تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۱. ۱۶۶ ص.

ISBN: 978 - 964 - 335 - 531 - 9

فهرستتویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۱۶۷ - ۱۶۹؛ همچنین بصورت زیر نویس.

۱. خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹-۱۳۶۸. ---

معلومات - فلسفه. ۲. فلسفه اسلامی - قرن ۱۴. الف. مؤسسه تنظیم و نشر آثار

امام خمینی (س)، معاونت پژوهشی. ب. ضیائی، علی اکبر، گردآورنده. ج. عنوان.

۱۸۹ / ۱۱

۹ ن ۹ / ض ۱۵ / BBR

م ۸۱ - ۱۰۰۱۱

کتابخانه ملی ایران

کد / م ۱۴۸۸

www.ketab.ir



مؤسسه چاپ و نشر عروج

نهضت فلسفی امام خمینی (س)

تدوین: دکتر علی اکبر ضیائی

نظارت و نشر: چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س))

چاپ سوم: ۱۳۰۳ / ۵۰۰ نسخه

قیمت:



101022000100005

نهضت فلسفی امام خمینی

• فروشگاه شماره یک: خیابان انقلاب، بین ۱۱ مردردین و فخر رازی، پاساژ ظروفچی، تلفن: ۶۶۴۹۳۰۸۱ - دورنگار: ۶۶۴۰۰۹۱۵

• فروشگاه شماره دو: خیابان انقلاب، چهار راه حافظ، تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷

• مراکز پخش: امور نمایندگیها و نمایشگاهها، تلفن: ۶۶۴۰۴۸۷۳

• امور سفارشات و بازرگانی، تلفن: ۶۶۴۸۹۱۶۰

• فروشگاه مجازی مؤسسه عروج www.oroujpub.com

فهرست مطالب

سخن ناشر	الف
پیشگفتار	۱
مقدمه	۳

فصل اول: زندگینامه علمی و فلسفی امام خمینی (ره)	۷
- ولادت نور	۹
- تحصیلات امام خمینی (ره) در علوم عقلی و نقلی	۱۰
- مهارت امام خمینی (ره) در علوم عقلی و نقلی	۱۲
- تدریس فلسفه و شیوهٔ بیانی امام خمینی (ره)	۱۳
- اساتید امام خمینی (ره) در فلسفه اسلامی	۱۶

فصل دوم: نقش امام خمینی (ره) در احیای تفکر فلسفی	۲۱
- جایگاه فلسفه و متون فلسفی در حوزه‌های علمیة قدیم	۲۳
- وضعیت فلسفه در دوره معاصر از اصفهان تا قم	۳۰
- وضعیت فلسفه در قم در عصر امام خمینی (ره)	۵۱
الف) نخستین گام، تربیت شاگردان زبده	۵۵
ب) مبارزه با جریانات انحرافی و انحرافات اعتقادی	۵۶
ج) امام خمینی (ره) و پاسخگویی به شبهات عقلی	۶۱
- بررسی موانع ترویج و گسترش فلسفه اسلامی در عصر امام خمینی (ره)	۶۳
- نتیجه‌گیری	۸۴

فصل سوم: فلسفه از دیدگاه امام خمینی (ره) ۸۷

۸۹ - فلسفه یونان.

۹۰ - فلسفه غرب.

۹۳ - فلسفه اسلامی.

۹۶ - گذر از حکمت متعالیه و رسیدن به مرحله کشف و شهرد.

۱۰۰ - فراگیری فلسفه بدون تهذیب نفس، حیران ساز است.

۱۰۳ - فلسفه می‌شناساند و ادعیه رهبری می‌کند.

۱۰۴ - مبارزه با فلسفه زدگی.

۱۰۸ - فلسفه و تفسیر قرآن کریم.

۱۱۱ - فلسفه و اخباری‌گری.

فصل چهارم: بیان چند مطلب فلسفی از امام خمینی (ره) ۱۱۵

۱۱۷ - اثبات وجود خداوند متعال از طریق برهان صدیقین ابن سینا.

۱۲۰ - قاعده فلسفی بسیط الحقیقه کل الاشياء.

۱۲۳ - جبر و اختیار.

۱۲۵ - حل تعارض بین قاعده «الشیء مالم یجب لم یوجد» و اختیار.

۱۲۹ - بقای روح پس از مرگ.

۱۳۰ - اتحاد طلب و اراده.

۱۳۳ - اثبات وجود کمال مطلق از طریق فطرت.

فهارس ۱۳۷

۱۳۹ - آیات.

۱۳۹ - احادیث.

۱۴۰ - اشعار.

۱۴۵ - اشخاص.

۱۵۸ - کتابها و رساله‌ها.

۱۶۴ - جاها.

۱۶۶ - فرق و طوایف.

۱۶۷ - منابع و مأخذ.

سخن ناشر

امام خمینی (س) اندیشه‌وری ذوالفنون بود که در ساختهای گوناگون معرفت به تلاش فکری و عملی پرداخته و آثار ارجمندی در دانشهای مختلف از خود به جای گذاشت؛ نظریه‌ها و آرای علمی وی در حوزه فقه، اصول، فلسفه، عرفان، اخلاق، سیاست، تفسیر و علوم قرآنی، رجال و درایه و مباحث اجتماعی از جایگاه والایی برخوردار است و با توجه به نقش رهبری انقلاب اسلامی و تحول شگرف سیاسی در ایران و تأسیس نظام جمهوری اسلامی در این کشور و بازتاب گسترده آن در جهان به طور عام و جهان اسلام به طور خاص و نقش قابل مطالعه وی در تحول اندیشه‌ها و آرای سیاسی و پیدایش دکترین‌های جدیدی که به گونه‌ای با عمل و رفتار سیاسی مشاوران و نظرات وی ارتباط پیدا می‌کند، موجب گشت اندیشه و عمل ایشان مورد توجه پژوهشگران و محققان داخلی و خارجی قرار گیرد و نگرشهای مثبت یا منفی، تحلیلهای طرفدارانه، نقادانه و بیطرفانه بسیاری درباره زندگی و سیره علمی و عملی وی به وجود آید. و بدیهی است در آینده نیز این پژوهشها تداوم پیدا خواهد کرد.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) بر این باور است که حیات فکری هر اندیشه‌ای بستگی فراوان به حضور آن اندیشه در میدان رویکرد فکری و توجه متفکران دارد و گرنه در گذر زمان به فراموشی سپرده می‌شود و حیات خود را از دست می‌دهد و از این رو تلاشهای پژوهشگران در عرصه بررسی و تحلیل اندیشه امام (س) و مطالعات موردی مسائل جامعه در پرتو این اندیشه را ارج نهاده و از آن استقبال می‌کند و ضمن پرهیز از هرگونه داوری نسبت به محتوای پژوهشها، قضاوت و تشخیص سره از

ناسره را به عهده خوانندگان فرهیخته می‌گذارد و انتظار دارد برای ارتقاء کیفیت کارها از اعلام نظر دریغ نفرمایند. کتابی که در دست دارید در همین راستا به نگارش درآمده است ضمن تقدیر از مؤلف محترم، از همه کسانی که در به نتیجه رسیدن این اثر نقش داشته‌اند، و پیشنهاداتشان گامی ارزشمند در تکمیل این تحقیق بوده است، سپاسگزاری می‌نماید.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (س)

معاونت پژوهشی

www.ketab.ir

پیشگفتار

آنچه متفکران اسلامی درباره ابعاد مختلف علمی امام خمینی (ره) نگاشته‌اند، تنها گوشه‌ای از حقایق آن دریای ژرف است و غواصان دانش و معرفت هر یک به قدر استعداد و توان خویش از آن بهره گرفته‌اند، و این کتاب هم کوششی ناچیز در جهت شناساندن بعد فلسفی امام خمینی - قدس سره - و نقش ایشان در احیای تفکر فلسفی در پیش و پس از انقلاب اسلامی ایران و نیز پیرامون آرای فلسفی ایشان است.

اما از آنجایی که نوشتن این کتاب برای معرفی افکار و دیدگاههای امام - قدس سره - در فلسفه اسلامی و فلسفه غرب ضروری می‌نمود، گوشه‌ای از خدمات گرانبهای ایشان به جهان تفکر را بیان داشتیم که به‌طور حتم خالی از نقص و یا لغزش نخواهد بود و امیدواریم اهل تحقیق و اندیشمندان محترم به این مختصر به دیده اغماض بنگرند و در سدد تکمیل و رفع نقایص آن باشند.

در اینجا لازم است از زحمات همه دست‌اندرکاران مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی بویژه کارشناسان محترم معاونت پژوهشی آن مؤسسه که راهنماییهای مفیدی را ارائه کردند و نیز فرزندان محمد مهدی ضیائی که فهارس این کتاب را تنظیم نموده، سپاسگزاری و تشکر کنم.

مقدمه

قبل از ورود به بحث بهتر است نگاهی گذرا به تعریف لفظی و حقیقی "فلسفه" داشته باشیم. این لغت، ریشه یونانی دارد و همه علمای قدیم و جدید که با زبان یونانی و تاریخ علمی یونان قدیم آشنا بوده‌اند، می‌گویند که این لغت، مصدر جعلی عربی کلمه «فیلوسوفیا» است. کلمه «فیلو» به معنی دوستداری و کلمه «سوفیا» به معنی دانایی است. بنابراین، کلمه «فیلوسوفیا» به معنی دوستداری دانایی است و افلاطون، سقراط را «فیلوسوفس»، یعنی دوستدار دانایی معرفی می‌کند.

قبل از سقراط گروهی پدید آمدند که خود را «سوفیست»، یعنی دانشمند، می‌نامیدند. این گروه ادراک انسان را مقیاس حقیقت و واقعیت می‌گرفتند و در استدلالهای خود مغالطه به کار می‌بردند. بتدریج لغت «سوفیست» مفهوم اصلی خود را از دست داد و مفهوم "مغالطه کار" به خود گرفت و سوفیست‌گری با مغالطه کاری مترادف شد. کلمه «سفسطه» در زبان عربی مصدر ساختگی «سوفیست» است که اکنون در میان ما به معنی مغالطه کاری است. سقراط به علت تواضع و فروتنی و شاید به علت احتراز از همدریف شدن با سوفیستها، امتناع داشت که او را «سوفیست» یا دانشمند بخوانند و از این رو، خود را «فیلسوف»، یعنی دوستدار دانش خواند. بتدریج کلمه "فیلوسوفیا" برعکس کلمه "سوفیست" که از مفهوم دانشمند به مفهوم مغالطه کار سقوط کرد، از مفهوم دوستدار دانش به مفهوم دانشمند ارتقا یافت و کلمه فلسفه نیز با دانش مترادف شد.

مسلمانان این لغت را از یونان گرفتند و از آن، صیغه عربی ساختند و آن را به معنی

مطلق دانش عقلی به کار بردند. فلسفه در اصطلاح شایع مسلمانان، نام یک فن و دانش خاص نیست؛ بلکه همه دانشهای عقلی را در مقابل دانشهای نقلی از قبیل لغت، نحو، صرف، معانی، بیان، بدیع، عروض، تفسیر، حدیث، فقه و اصول تحت عنوان کلی فلسفه نام می‌بردند و چون این لغت مفهوم عام داشت، قهراً فیلسوف به کسی اطلاق می‌شد که جامع همه علوم عقلی آن زمان، اعم از الهیات، ریاضیات، طبیعیات، سیاسیات، اخلاقیات و منزلیات بوده باشد.

مسلمانان بر اساس تقسیم ارسطویی درباره علوم، حکمت را بر دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌کردند. حکمت نظری، آن است که درباره اشیاء آنچنان که هست، بحث می‌کند و حکمت عملی، آن است که درباره افعال انسان آنچنان که باید و شایسته است، بحث می‌کند. حکمت نظری بر سه قسم است:

اول، الهیات یا فلسفه اولی یا علیا: از اموری بحث می‌کند که در ذهن و در خارج، نیاز به ماده ندارد. دوم، فلسفه وسطی در خصوص اموری بحث می‌کند که در وجود خارجی به ماده احتیاج دارد که همان ریاضیات است و ریاضیات شامل چهار بخش حساب، هندسه، هیئت و موسیقی است. سوم، فلسفه سفلی یا ادنی یا طبیعیات که از امور مادی محض بحث می‌کند. حکمت عملی نیز به علم اخلاق، علم تدبیر منزل و علم سیاست مدن تقسیم می‌شود. بر این اساس، حکمت یا فلسفه شامل همه علوم نامبرده می‌گردد؛ اما از نظر فلاسفه، مهمترین بخش فلسفه، همان فلسفه اولی یا نامهای فلسفه علیا، علم اعلا علم کلی، الهیات و مابعدالطبیعه است. فلسفه اولی نیز مشتمل بر دو فن است: امور عامه و الهیات به معنی اخص. امتیاز این علم نسبت به سایر علوم، یکی این است که به عقیده قدما از هر علم دیگر برهانیتر و یقینی‌تر است، دیگر اینکه بر همه علوم دیگر ریاست و حکومت دارد و در واقع سلطان علوم است؛ زیرا علوم دیگر به او نیاز کلی دارند و او نیاز کلی به آنها ندارد. سوم اینکه از همه علوم دیگر کلیتر و عامتر است. بنابراین، از نظر قدمای فلاسفه، لغت فلسفه دو معنی داشت: یکی، معنی شایع که عبارت بود از مطلق دانش معقول و دیگر، معنی غیر شایع که عبارت بود از علم الهی یا فلسفه اولی^۱. منظور

۱. مطهری، مرتضی؛ آشنایی با علوم اسلامی؛ تهران: صدرا، ۱۳۷۳ ه. ش؛ ج ۱، ص ۱۴۷-۱۵۰.

از فلسفه در این کتاب، همان معنای غیر شایع یا فلسفه اولی است. برای فلسفه، تعاریف متعددی ارائه شده است که به اختصار به چند تعریف اشاره می‌کنیم: برخی آن را «تحقیق درباره ماهیت و حقایق اشیاء به قدر طاقت بشر» تعریف کرده‌اند^۱؛ و برخی آن را چنین تعریف کرده‌اند: «هی صیورۃ الانسان عالماً عقلياً مُضاهياً للعالم العینی فی صورته و کماله»؛ یعنی فلسفه، آن است که انسان جهانی از عقل شود که در صورت و کمالش مساوی جهان خارج گردد؛ و نیز گفته‌اند که فلسفه، عبارت است از یک سلسله مسائل بر اساس برهان و قیاس عقلی که از مطلق وجود و احکام و عوارض آن گفتگو می‌کند، به این معنا که فلسفه از بود و نبود اشیاء سخن می‌گوید و احکام مطلق هستی را مورد دقت قرار می‌دهد و هیچ‌گاه به احکام و آثاری که مخصوص یک یا چند موضوع ویژه است، نظر ندارد^۲.

از آنجایی که امام مقدس سره... در آثار خود تعریفی از فلسفه ارائه ننموده‌اند؛ اما با استناد به مشرب صدرایی ایشان و قبول اصالت وجود و اعتباری بودن ماهیت، تعریف اخیر - یعنی بحث از مطلق وجود و احکام و عوارض آن - با مبانی فلسفی حضرت امام (ره) بیشتر تناسب دارد. البته این بدین معنا نیست که حضرت امام (ره) از فلسفه مشاء رویگردان بوده و از آن بهره نبرده‌اند؛ بلکه همچنان که در جایش خواهد آمد، ایشان در برخی موارد پایه پای ابن سینا حرکت کرده‌اند و به آن فلسفه، احاطه کامل داشته‌اند.

لازم به ذکر است که در عصر امام خمینی (س)، فیلسوفان بزرگ دیگری نیز در احیای تفکر فلسفی در ایران و جهان نقش مهمی ایفاء نمودند؛ اما امام (س) به علت دارا بودن خصایصی منحصر به فرد چون مرجعیت اعلا و رهبری سیاسی عالم تشیع و تجلی مبارزه با تحجرگرایی در دین، اساسی‌ترین نقش را در گسترش هر چه بیشتر فلسفه اسلامی داشته‌اند.

۱. محمد شریف نظام‌الدین احمد بن هروی؛ رساله انواریه؛ به کوشش حسین ضیائی، تهران، ۱۳۶۳. ش، ص ۹.
 ۲. طباطبائی، علامه سید محمد حسین؛ اصول فلسفه و روش رئالیسم؛ به تعلق شهید آیت‌الله مرتضی مطهری، تهران: دفتر انتشارات اسلامی؛ ص ۳۰؛ نیز نگاه کنید: همو، نهاية الحکمة؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴. ق، ص ۴-۵.